

وقف و امور خیریه در بازار سرمایه

مجید رضائی

عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه مفید

چکیده

اقتصاد اسلامی در بردارنده نظریات پیرامون بازار، دولت و بخش سوم است. اقتصاد بخش سوم که با وقف، بخشش، صدقات، سروکار دارد تکمیل کننده رفتار اقتصادی دولت و بخش خصوصی در نظام اقتصاد اسلامی است. بهره-گیری از پتانسیل این بخش در رفع محرومیت و فقر، کمک به نیازمندان جهت اشتغال، تولید کالاهای عمومی و مانند آن می‌تواند توسعه اسلامی را سریعتر تحقق ببخشد. تأکید متون دینی بر فعالیتهای خیریه در تمام ادیان بخصوص در اسلام بسیار چشمگیر است. مردم متدین در طول تاریخ در همین راستا فعالیتهای بسیاری انجام داده‌اند و امروزه در هر کوی و برزن نشانی از موسسه، کتابخانه، مسجد، راه، بیمارستان، مدرسه که توسط افراد خیر احداث شده به چشم می‌خورد.

تحول نظام اقتصادی و استفاده از شیوه‌های جدید تولید کالا و ثروت و تشکیل بازارهای بورس و وجود راههای متعدد برای ازدیاد ثروت و جلوگیری از کاهش ارزش اولیه آن از سویی و فرسودگی بناهای موقوفه و مشکلات اجرای نیت و خواسته واقفان باعث شده محققان به دنبال راههای حفظ ازدیاد ثروت اولیه موقوفه بوده و تلاش نمایند با استفاده از بنیه عظیم نهاد وقف حضور آن را در بازارهای سرمایه رونق بخشند، و با رفع موانع درصد برآیند نهادهای موقوفه، حداقل بخشی از دارایی خود را از طریق سرمایه‌گذاری در بازارهای بورس حفظ کنند و با کسب سود ارزش موقوفات را بیشتر کنند، و از طریق مصرف بخشی از سود در جهت عام-المنفعه، علاوه بر تحقق مقصود واقفان از نابودی موقوفات جلوگیری کنند.

مقاله حاضر ضمن بررسی مشکلات حضور موقوفات در بازار سرمایه در صدد بررسی راههای مختلف استفاده از وقف، صدقات و ... در این بازار است.

مقدمه

اقتصاد اسلامی در بردارنده نظریه‌هایی درباره بازار، دولت و بخش سوم است. اقتصاد بخش سوم که با وقف، بخشش، صدقات، سروکار دارد، تکمیل کننده رفتار اقتصادی دولت و بخش خصوصی در نظام اقتصاد اسلامی است با بهره‌گیری از پتانسیل این بخش در رفع محرومیت و فقر، ایجاد اشتغال، تولید کالاهای عمومی و مانند آن می‌توان توسعه اسلامی مورد نظر را سریع‌تر تحقق بخشید. متون دینی تمام ادیان به ویژه اسلام بر فعالیت‌های خیریه تأکید فراوانی دارند مردم متدین در طول تاریخ در همین راستا فعالیت‌های بسیاری انجام داده‌اند و امروزه در هر کوی و برزن نشانی از مؤسسه، کتابخانه، مسجد، راه، بیمارستان، مدرسه که به وسیله افراد خیر احداث شده به چشم می‌خورد. تحول نظام اقتصادی و استفاده از شیوه‌های جدید تولید کالا و ثروت و تشکیل بازارهای بورس و وجود راه‌های متعدد برای ازدیاد ثروت و جلوگیری از کاهش ارزش اولیه آن از سویی و فرسودگی بناهای موقوفه و مشکلات اجرای نیت و خواسته واقفان باعث شده محققان به دنبال راه‌های حفظ ازدیاد ثروت اولیه موقوفه بوده و تلاش نمایند با استفاده از بنیه عظیم نهاد وقف حضور آن را در بازارهای سرمایه رونق بخشند و با رفع موانع درصدد برآیند نهادهای موقوفه، حداقل بخشی از دارایی خود را از طریق سرمایه‌گذاری در بازارهای بورس حفظ کنند و با کسب سود ارزش موقوفات را بیشتر کنند، و از طریق مصرف بخشی از سود در جهت عام‌المنفعه، علاوه بر تحقق مقصود واقفان از نابودی موقوفات جلوگیری کنند. مقاله حاضر ضمن بررسی مشکلات حضور موقوفات در بازار سرمایه، در صدد بررسی راه‌های مختلف استفاده از وقف، صدقات و ... در این بازار است.

مشکلات و موانع حضور وقف

بازار سرمایه نهادی است که در آن نقدینگی تبدیل به سرمایه تولیدی می‌شود. افراد با داشتن وجوه نقد در آن بازار حضور می‌یابند و با خرید سهام، اوراق قرضه و اوراق مشتقه نقدینگی خود را تبدیل به دارایی مالی می‌کنند و یا در شرایطی دارایی مالی را می‌فروشند. رونق بازار سرمایه اقتضا دارد تبدیل نقدینگی به دارایی مالی و دارایی مالی به نقدینگی دائماً و با سرعت صورت گیرد. هر چه تغییر و تبدیل سریع‌تر باشد، بازار سرمایه فعال‌تر است. حضور بخش سوم اقتصاد (وقف، صدقات، امور خیریه و ...) در بازار سرمایه در صورتی امکان دارد که بتوان دارایی را تبدیل به نقدینگی و برعکس کرد.

بر اساس تعریف فقهی، اموال موقوفه عین دارای منفعت است که با حبس عین، منافع آن در جهت معینی به مصرف می‌رسد. عین موقوفه باید در طول زمان باقی بماند و از منافع جاری آن استفاده شود (الطباطبائی الیزدی، ۱۴۲۳، ج ۶: ۳۰۹). از این رو نمی‌توان اموال موقوفه را در بازار سرمایه تبدیل به سهام و غیر آن نمود.

در برخی کشورها برای استفاده از روحیه خیرخواهی ثروتمندان، صندوق‌های وقفی ایجاد شده و افراد خیر اموال مختلفی را به آن تملیک می‌کنند و دارایی آن قابل تبدیل به سهام و اوراق قرضه است. متولیان و مدیران صندوق‌های وقفی بر حسب خواسته واقفان تلاش دارند با سرمایه‌گذاری در سهام کم‌خطر، بازدهی اموال موقوفه را افزایش دهند و از بخشی از منافع آن مصارف معینی را تأمین کنند. صندوق‌های وقفی در آمریکا به طور متوسط بیش از نیمی از بودجه دانشگاه‌های دولتی را تأمین می‌کنند. در ضمن حضور گسترده‌ای در بازارهای مالی دارند و با حفظ ارزش دارایی اولیه منافع بسیاری کسب کرده و خواسته واقفان را تحقق می‌بخشند. تفاوت اصلی صندوق‌های وقفی با وقف اسلامی در این است که ماندگاری اموال موقوفه در اسلام در حفظ صورت فیزیکی است، ولی در غرب حفظ ارزش اقتصادی موقوفه ملاک عمل است، صندوق‌های وقفی به وسیله بنیادهای خیریه و از طریق مؤسسات خدمات مدیریت وقف اداره می‌شوند (عبده تبریزی، بهار ۱۳۸۴: ۶۲-۴۹) در هر صورت چنانچه بخواهیم از وجوه خیریه و نذورات در تقویت بازار سرمایه استفاده کنیم، باید بتوانیم وجوه یاد شده را به شکل‌های مختلف تبدیل کرد و با اداره کردن و حفظ ارزش مالی آن از سود آن برای امور خیریه بهره گرفت.

راههای بهره‌گیری از وجوه خیریه در بازار سرمایه

نذر

نذر، التزام به انجام عملی برای خدا به شکل خاص است؛ گاه معلق بر امری است و گاه مطلق است. شخص برای رفع حاجتی یا شفای شخصی یا بدون آن نذر می‌کند که مثلاً مبلغی را به کسی عطا کند. (الامام الخمینی، ۱۳۷۹- الف، ج ۲: ص ۱۱۱) فرد می‌تواند نذر کند که مبلغی را به مسجدی یا مدرسه‌ای یا دانشگاهی یا موسسه‌ای خیریه ببخشد تا در مسیر خیر از آن استفاده کنند. مؤسسه یاد شده می‌تواند با اموال در اختیار نهاده شده در بازار سرمایه به خرید و فروش سهام مبادرت کند و از سود آن، برخی هزینه‌های خود را پوشش دهد. امروزه نذورات

بسیاری به مشاهد مشرفه و امامزادگان و بناهای مذهبی اختصاصی می‌یابد. با تشویق مردم به انجام نذر به صورتی که متولیان بتوانند از آن در فعالیت‌های اقتصادی استفاده کنند، امکان امر فوق فراهم می‌شود. بدون شک اختصاص اموال از طریق نذر به امور خیریه ثواب بسیاری دارد و اشتیاق بسیار مسلمانان به انجام آن شاهد مهمی بر آن است. نذر عبادت است و وفا به آن واجب است.* افراد معتبر باید به مردم آموزش بدهند که می‌توانند نذر خود را به صورتی انجام دهند که از آن استفاده دائمی شود به جای صرف یکباره آن با سرمایه‌گذاری و استفاده از منافع آن ثواب بسیاری را ببرند. همان منافعی که از صندوق‌های وقفی به دست می‌آید، می‌توان از صندوق‌های نذورات کسب کرد. مشاهد مشرفه، محل‌های آموزشی و غیره می‌توانند صندوق‌های نذورات داشته باشند و افراد خیر نذر کنند که مبلغ خاصی به آن مؤسسه و صندوق بدهند تا از طریق سرمایه‌گذاری و کسب سود هزینه‌های مؤسسه را تأمین کنند.

در ضمن افراد خیر می‌توانند شخص حقوقی مثل بانک، صندوق، مؤسسه و غیر آن را تأسیس کنند و نذر کنند که منافع و خدمات آن برای خدا و امور خیریه صرف شود. شخص حقوقی پس از تأسیس و انجام مراحل قانونی همچون فرد حقیقی دارای منافع و مالکیت و تعهد و غیر آن است. هیأت مؤسس شخص حقوقی می‌تواند نذر کند که تمام منافع یا بخشی از آن که از سرمایه‌گذاری و مبادلات اوراق مالی در بازار ایجاد می‌شود، در راه معینی صرف شود. در واقع همان‌طور که مادر حضرت مریم نذر کرد که فرزندش برای خدا باشد و در خانه خدا خدمت کند، هیأت مؤسس نیز صندوق یا مؤسسه را برای خدا نذر می‌کند، به معنای این که منافع آن در راه خدا صرف شود و تمام فعالیت‌هایش و خدمت‌رسانی آن به منظوری که در نذر بیان شده اختصاص یابد.

صدقات مستحبی

کمک به نیازمندان، همسایه‌ها، خویشاوندان، تأمین هزینه‌های خیریه کمک به حجاج و در راه ماندگان و ده‌ها امر نیک دیگر انگیزه فعالیت انجام صدقه مستحبی است. احادیث متعددی

* قرآن کریم در چند مورد در تأکید نذر و عبادت بودن آن سخن گفته است، در سوره بقره آیه ۲۷۰ نذر در کنار انفاق قرار گرفته است. در سوره حج آیه ۲۹ وفای به نذر در کنار طواف خانه خدا واجب شده و به مؤمنان و حاجیان دستور داده شده که به نذر خود وفا کنند. در سوره انسان آیه ۷ از وفای نذر ابرار و صالحان سخن می‌راند، کسانی که از قیامت هراس دارند و به یتیم و مسکین و اسیر اطعام می‌دهند. در سوره آل عمران آیه ۳۵ از نذر مادر مریم سخن می‌گوید. مادر مریم نذر کرد که فرزندش برای خدا و در خانه خدا خدمت کند و خدا نذر او را پذیرفت. نذر باید برای خدا واقع شود تا صحیح منعقد گردد.

در مورد ثواب صدقه وارد شده است و مسائل متعدد آن در کتب فقهی آمده است. (رک: الحر العاملی، ۱۴۱۱، کتاب الزکاء، ابواب الصدقة، ج ۹: ص ۴۸۰-۳۶۷ و الطباطبائی الیزدی، ۱۴۲۳، ج ۶: ۴۱۰-۴۰۶) حجم بسیاری از کمک‌های خیرخواهانه مردم به صورت صدقه است. می‌توان مؤسسه‌ای ایجاد کرد و منافع آن را صدقه داد. مؤسسه می‌تواند آموزشی و یا مالی باشد. مثلاً بانک تأسیس شود و بخشی از سرمایه در اختیار را، به افراد نیازمند قرض الحسنه دهد و یا سود آن را در امور خیریه صرف کند. افراد خیر می‌توانند بخشی از دارایی خود را به تملیک مؤسسه در آورند تا در گردش مالی، منافع آن به امور خیریه اختصاص یابد. مؤسسه می‌تواند برای حفظ توان مالی خود دارایی‌ها را در بازار بورس به اوراق بهادار تبدیل کند.

هبه

از طریق بخشش عین مالی می‌توان برخی از مشکلات را حل کرد. مردم می‌توانند با قصد قربت اموال خود را به مؤسسه‌ای خیریه ببخشند و مسؤولان مؤسسه می‌توانند با اموال به گونه‌ای سرمایه‌گذاری کنند تا ضمن حفظ ارزش مالی آن از سود آن برای امور خیریه استفاده کنند.

وقف

امروزه در تمامی کشورها وقف اموال وجود دارد. انسان‌ها برای به یادگار گذاشتن نام نیک اموالی را وقف می‌کنند؛ آن را از ملکیت خود خارج می‌کنند و منافع آن را به مصرف امور عمومی یا خاص اختصاص می‌دهند. ادیان آسمانی بر این امر تأکید بسیار کرده‌اند و احادیث متعددی از پیامبر(ص) و ائمه(ع) در خصوص وقف و ارزشمندی آن به ما رسیده است؛ ائمه در طول حیات خود اموال بسیاری را وقف کردند. در روایات از موقوفات حضرت فاطمه(ع)، امیرمؤمنان(ع)، موسی بن جعفر(ع) نام برده شده است (رک: الحر العاملی، ۱۴۱۱ق، کتاب الوقوف و الصدقات، باب ۶ و ۱۰ ج ۹: ص ۱۹۱-۱۸۵ و ۲۰۴-۱۹۸). وقف به عنوان صدقه جاریه در طول زمان تا زمان بقای آن، برای واقف ثواب اخروی دارد. اموال موقوفه باید اصل آن محفوظ و منافع آن مورد استفاده قرار گیرد. از همین رو اگر ارزش عین موقوفه کاهش یابد یا مقداری آسیب ببیند فقط می‌توان آن را تعمیر کرد و نمی‌توان آن را تبدیل کرد. (رک: الطباطبائی الیزدی ۱۴۲۳ق، ج ۶: ص ۳۸۳-۳۷۷ و الموسوی الخمینی، ۱۳۷۹- الف ج ۲: ص ۷۶ و ۷۷). از طرفی وقف

پول را به دلیل تبدیل دائمی آن در مبادلات جایز نمی‌دانند. برخی از فقهاء مانند شهید ثانی، محمد کاظم طباطبائی یزدی و سید علی سیستانی به دلیل منافع زینتی درهم و دینار و یا مانند آن وقف آن را به جهت منافع مذکور جایز دانسته‌اند. (رک: العاملی، ۱۴۱۴، ج ۵: ص ۳۲۱، الطباطبائی الیزدی، ۱۴۲۳، ج ۶: ص ۳۱۱، آل کاشف الغطاء، ۱۳۶۲ق، ج ۵: ص ۷۸، الحسینی السیستانی، ۱۴۱۵، ج ۲: ص ۴۰۳).

بنابراین، اگر درهم و دینار منفعتی مانند زینت داشته باشند، وقف آن جایز است ولی پول کاغذی که چنین منفعتی ندارد، نمی‌توان آن را وقف کرد. بنابراین، لزوم حفظ عین موقوفه، محدودیت تبدیل آن و عدم جواز وقف پول از موانع مهم حضور اوقاف در بازار سرمایه است. برای استفاده از اوقاف در بازار سرمایه باید چند امر مورد توجه قرار گیرد.

۱- اصل موقوفه محفوظ بماند و منافع آن در جریان باشد تا اسم وقف بر آن صدق کند.

۲- امکان تبدیل آن به راحتی فراهم باشد.

۳- بتوان از آن جهت کسب منفعت بیشتر بهره گرفت.

۴- بر اساس آن بتوان سیاست‌های پولی و مالی انجام داد.

در وقف نباید منافع آن به خود شخص واقف برگردد. البته واقف می‌تواند برای فرزندان خود یا نسل خود وقف کند و اگر برای جهات عمومی باشد، خودش نیز می‌تواند از آن استفاده کند. بنابراین صندوق‌های امید که شخص مبلغی را به صندوق اختصاص می‌دهد تا خود ذی نفع باشد را نمی‌توان به عنوان وقف قرار داد. در این صندوق‌ها منافع آن به شخص می‌رسد و بدن فرد پس از مرگ در نیتروژن به صورت منجمد می‌ماند تا هر گاه علم قادر به برگرداندن شخص به عالم حیات باشد او زنده شود و از ثروت صندوق بهره گیرد (عبده تبریزی، بهمن ۱۳۸۴). البته این نوع صندوق‌ها، نوعی صندوق سرمایه‌گذاری شخصی است که فرد وصیت می‌کند تا پس از مرگ اموال اختصاص یافته به صندوق در مسیر خاصی مورد استفاده قرار گیرد و سرمایه‌گذاری کافی از منافع آن تحقق یابد و به تدریج ثروت افزایش یابد و بخشی از درآمد آن به هزینه حفظ بدن میت و احیاء آن اختصاص یابد.

در ادامه برخی از راه‌هایی که می‌توان با استفاده از آن از موقوفات در بازار سرمایه استفاده کرد مطرح می‌شود. باید توجه کرد، برخی از این روش‌ها مورد تأیید عموم فقهاء قرار نگرفته است. نوشته حاضر امید دارد، طرح موضوع بتواند زمینه بهره‌گیری از فتاوا را فراهم سازد.

الف- وقف اسکناس و پول

از شرایط موقوفه عین بودن آن است که با بقای آن می‌توان از منافع آن بهره‌گرفت. مال موقوفه نباید با استفاده از آن از بین برود. بنابراین وقف منافع، وقف غذای خوردنی و میوه جایز نیست. به همین دلیل وقف درهم و دینار هم که در صورت استفاده مالی از آن به ناچار باید صرف شود و به شیء دیگر تبدیل گردد، جایز نیست. باید توجه داشت که اشیاء حداقل سه نوع هستند.

۱- استفاده از آن منجر به اتلاف آن می‌شود و قابل بازگشت نیست، مانند استفاده خوراکی از میوه که منجر به نابودی آن می‌شود.

۲- استفاده از آن تغییری در عین ایجاد نمی‌کند، مانند بهره‌گیری از میوه درخت بدون آن که درخت از بین برود.

۳- استفاده از آن به در جریان بودن آن است و کالای مورد نظر تبدیل به مثل خود می‌شود، مانند اسکناس وقتی که در بانک قرار می‌گیرد. گرچه ظاهراً پول اولیه تغییر می‌کند، ولی عرف تفاوتی بین اسکناس اولیه و اسکناس تبدیل شده نمی‌بیند و احساس می‌کند که عین اسکناس باقی است. براساس تلقی عرف می‌توان گفت تغییر اسکناس در مؤسسات پولی و مالی مخالف شرط بقاء عین موقوفه نیست. بنابراین می‌توان با وقف پول و سپردن آن به بانک و یا مؤسسات مالی از منافع آن استفاده کرد.

منفعت پول این است که می‌توان آن را به افراد قرض داد. البته باید توجه داشت که اگر پول وقف شود، حداکثر می‌توان از گردش آن در بانک استفاده کرد نه آن که پول تبدیل به اوراق سهام، طلا، ارز و غیر آن شود. چون عرف تفاوت کاملی بین این امور قائل است، گرچه از نظر مالیت یکسان باشند؛ اما در مورد اسکناس چون امر اعتباری است و امر اعتباری متعلق به دو اسکناس هزار تومانی یکسان است، عرف تفاوتی بین آن دو نمی‌بیند و آن را باقی می‌داند. کسانی که از بانک پول سپرده خود را می‌گیرند، می‌گویند پول خود را از بانک دریافت کرده‌ایم.

ب- وقف مالیت شیء

آیا می‌توان ارزش یک شیء- نه عین آن را- وقف کرد؟ اگر بتوان این نوع وقف را تصحیح کرد، ارزش شیء می‌تواند در قالب طلا، ارز، سهام، اوراق بهادار، اسکناس و خانه خود را نشان دهد. بنابراین عینی که ارزش آن وقف شده برای حفظ ارزش موقوفه اصلی قابل

تبدیل و مبادله در بازار است، و متولی و ناظر باید تلاش کند به بهترین صورت ارزش مالی موقوفه را حفظ کند.

ممکن است اشکال شود، در وقف مصطلح حفظ عین، شرط اصلی است، بنابراین وقف مالیت تناقض آمیز است، زیرا از سویی وقف دلالت بر بقای عین، دارد و از طرفی مالیت قابلیت ظهور در اعیان مختلف را دارد. مرحوم طباطبائی یزدی فرموده: گرچه این نوع وقف، وقف مصطلح نیست، ولی می‌توان گفت با توجه به عدم حصر معاملات در عناوین خاص و عقلانی بودن وقف مالیت و عدم ردع شارع از آن می‌توان این نوع معامله را تصحیح کرد، گرچه مشمول وقف مصطلح قرار نگیرد (الطباطبائی الیزدی، ۱۴۲۳، ج ۶: ص ۳۹۳). مرحوم امام خمینی وقف مالیت را صحیح نمی‌داند، زیرا مالیت ثمر ندارد و فقط امر اعتباری عقلانی است و منفعت، ثمره اعیان است (الامام الخمینی، ۱۳۷۹- ب، ج ۳: ص ۲۴۷). ولی به نظر می‌رسد، در اسکناس مالیت آن ثمر دارد نه کاغذ مادی آن بنابراین گرچه وقف مصطلح بر وقف مالیت صدق نکند، ولی وقف لغوی و مطلق به عنوان عقدی که در آن حقیقتی از ملکیت شخص خارج شود و منافع آن به امر خیر یا امر معینی اختصاص یابد بر آن صادق است. همان‌طور که در بحث ضمان مصطلح شرط است که ضمان بر دین ثابت تعلق گیرد و ضمان مالیم یجب صحیح نیست، ولی بر طبق تصریح برخی از فقها مانند مرحوم حکیم و خوئی ضمان مالیم یجب، ضمان عرفی است و صحیح است (الطباطبائی الحکیم، ج ۱۳: ص ۳۴۸، الخوئی، ۱۴۰۹: ۱۱۶ و ۲۰۴).

ج- تملیک مال به موقوفه

چنانچه عین موقوفه وجود داشته باشد، می‌توان اموال نقدی و غیر آن را به موقوفه تملیک کرد و بخشید تا متولی موقوفه آن را در جریان اقتصادی قرار دهد و از منافع آن بهره گیرد و یا آن که واقف می‌تواند در ابتدا عین معینی مثل بیمارستان، دانشگاه، مدرسه را وقف کرده، سپس به آن موقوفه اموالی را تملیک کند. اموال تملیک شده به موقوفه، وقف نیست تا لازم باشد شرایط آن را داشته باشد و یا نتوان در آن تصرف کرد و آن را به سهام و اوراق بهادار تبدیل کرد.

د- شرط تبدیل موقوفه

از آن جا که شرط کردن در وقف نزد فقها صحیح است، با توجه به محدودیت تبدیل مال موقوفه و بیع آن، واقف هنگام وقف می‌تواند شرط کند که عین موقوفه در صورت کاهش

ارزش آن یا کاهش منافع آن یا با ارزش بودن تبدیل آن به شیء دیگر و یا موارد مشابه فروخته شود؛ این شرط صحیح است و ادله نفوذ شرط آن را تأیید می‌کند. در موقوفه‌های امیرمؤمنان این صورت آمده است (رک: الطباطبائی الیزدی، ۱۴۲۳، ج ۶: ۳۷۹). در این صورت مال موقوفه پس از تبدیل نیز به صورت وقف در می‌آید. همان‌طور که در موارد جواز بیع موقوفه عین موقوفه پس از تبدیل هم وقف است (التوحیدی التبریزی، ج ۵: ۲۲۴-۲۱۹؛ الامام الخمینی، ۱۳۷۹- الف ج ۱: ۴۹۲، وهمو، ۱۳۷۹- ب، ج ۳: ۲۵۴-۲۴۵).

تأسیس بنیاد خیریه و تملیک اموال به آن

افراد خیر می‌توانند بنیاد خیریه تأسیس کنند؛ بنیاد خیریه به عنوان شخص حقوقی مالک اموال و متعهد است. اموال مؤسسه می‌تواند از اعیان، نقود، سهام، ارز و غیر آن باشد. بنیاد خیریه برای صرف اموال در جهت خیر و عمومی تأسیس می‌شود.

افراد خیر می‌توانند اموال نقدی را به بنیاد هبه کنند تا بنیاد براساس صلاحدید متولیان آن از منافع آن بهره‌مند گردد و ضمن حفظ ارزش مالی سرمایه از سود آن برای مصارف عمومی استفاده کند. بنیاد خیریه پس از تأسیس و ثبت در دفتر شخصیت حقوقی یافته و تحت نظارت دولت عمل می‌کند.

تأسیس بنیاد خیریه متفاوت از وقف است؛ در وقف عین خارجی موقوفه است، ولی در تأسیس بنیاد شخصیت حقوقی ایجاد می‌شود. البته امروزه در ایران براساس قانون هر عین موقوفه‌ای دارای شخصیت حقوقی است.

در کشورهای غربی بنیادهای خیریه سهم بزرگی در امور اجتماعی و سیاسی و اقتصادی دارند. بنیاد نوبل در سوئد و بنیاد فورد و راکفلر در امریکا از این نمونه است. در برخی کشورها مانند فرانسه وقف مال به صورت مستقیم امکان ندارد، زیرا مالکیت تابع شخص است و برای آن ابتدا یا باید اموال به ملکیت شخصیت‌های موجود برسد و یا این که با اجازه دولت بنیاد حقوقی تأسیس شود و سپس مال مورد نظر به آن شخصیت بخشیده شود (رک: کاتوزیان، ۱۳۷۷: ص ۱۲۳ و ۱۶۲ و ۱۶۳، وهمو، ۱۳۷۹، ج ۲: ۳۲۸-۳۳۲).

تأسیس بنیاد خیریه و وقف یا حبس آن

در وقف شرط شده که مال موقوفه عین باشد. با این قید وقف منفعت و دین صحیح نیست. به نظر می‌رسد از آن جا که عین در این جا در مقابل منفعت و دین است، شامل عین

اعتباری نیز می‌شود؛ بنابراین افراد خیر اگر بنیاد خیریه و شخصیت حقوقی را ایجاد کنند، می‌توانند مؤسسه را وقف کنند. مثلاً افراد خیر می‌توانند بانک را به ثبت برسانند و پس از آن بانک را وقف نمایند. همان‌طور که عین موقوفه شخصیت حقوقی پیدا می‌کند در این جا شخصیت حقوقی موقوفه می‌شود.

اگر اشکال شود که در وقف، مال مملوک دارای منفعت، وقف می‌شود، از ملکیت مالک جدا می‌شود و ثمره آن برای موقوف علیهم صرف می‌شود، ولی شخص حقوقی مال نیست، بلکه مالک است. در جواب می‌توان گفت در وقف، مهم این است که عین دارای آثار و منافع بوده و آن آثار و منافع به صورت دائمی به هدف خاصی اختصاص یابد، یعنی آنچه اصالت دارد، مستقل شدن موقوفه و صرف منافع آن در جهت خاص است. در وقف بانک هم، شخص حقوقی وجود دارد که دارای ثمره و منافع است که به جهت خاصی اختصاص می‌یابد. در این جا شخص حقوقی مستقل است و نتیجه وقف را دارد، گرچه در تملک احدی نبوده تا با وقف آزاد شود. در اینجا وقف در جدا کردن موقوفه از ملک اثر ندارد، ولی در جهت تسهیل ثمره اثر دارد. بنابراین حاصل وقف شخص حقوقی، همان است که در وقف اعیان، وجود می‌آید.

علاوه بر این، تعریف وقف نص معتبر شرعی نداریم تا براساس ظهور آن حکم به عدم جواز وقف شخص حقوقی کنیم. اگر عرف وقف شخص حقوقی مثل بانک را تصحیح کند، وقف صدق می‌کند.

ممکن است، گفته شود شخص حقوقی از نظر حقوقی مانند شخص حقیقی دارای تعهد است، از مالکیت برخوردار است و می‌تواند همچون یک فرد حقیقی در اقتصاد حضور داشته باشد، فقط هیأت امنای مدیر عامل از طرف شخص حقوقی امضا می‌کند و مصادیق را تشخیص می‌دهد. بنابراین همان‌طور که نمی‌توان یک فرد زنده را وقف کرد و منافع آن را به جهت معینی اختصاص داد وقف شخص حقوقی هم صحیح نیست.

در پاسخ این امر باید گفت، نمی‌توان شخص اعتباری و حقیقی را با هم مقایسه کرد. گرچه شخص حقیقی را نمی‌توان وقف کرد، چون با حریت او سازگار نیست، ولی یک عبد و برده را می‌توان برای جهت معینی وقف کرد. البته برده مال هست ولی برده بنا بر برخی از اقوال مالکیت دارد. در هر صورت چنانچه عرف با وقف شخص حقوقی سازگار نباشد، می‌توان منافع شخص حقوقی را حبس دائمی کرد. تفاوت حبس و وقف در انتقال مالکیت است؛ ولی

در هر دو منافع به صورت دائم به جهت معین اختصاص می‌یابد. بنابراین، افراد خیر می‌توانند پس از تأسیس بنیاد خیریه منافع آن را برای جهت خیریه حبس کنند. افراد با تملیک و بخشش اموال به این شخصیت حقوقی، امکان مبادله اموال و استفاده بهینه از آن را فراهم می‌سازند.

وقف سهام توزیع شده

دولت‌ها در هر کشور کالاهای عمومی تولید می‌کنند. برخی از کالاهای عمومی مانند جاده‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها و پل‌ها این قابلیت را دارند که به وسیله مردم وقف شوند. دولت می‌تواند ارزش آن نهاد را به سهام تبدیل کند و در شرایط مختلف، به خصوص زمانی که قصد کاهش نقدینگی در دست مردم را دارد، می‌تواند سهام وقف منتشر کند. افراد خیر به میزان توانایی سهم مدرسه یا دانشگاه را خریداری می‌کنند و آن را وقف می‌کنند. در ارزش‌گذاری مدرسه یا دانشگاه فقط باید اعیان خارجی تبدیل به سهام شود تا سرمایه نقدی جزو آن حساب نشود. مجموع ارزش مالی ساختمان، تجهیزات و زمین محاسبه شده و به سهام تبدیل می‌شود. در واقع خریداران به صورت مشترک هر یک جزء مشاعی از نهاد خارجی را وقف کرده‌اند. وقف جزء مشاع هم طبق فتاوا صحیح است (الطباطبائی الیزدی، ۱۴۲۳، ج ۶: ۳۱۰، النجفی، ۱۳۹۷ق، ج ۲۸: ۱۹). سهام بیانگر جزئی از دارائی مؤسسه است، بنابراین دلالت بر عین خارجی دارد.

بخش خصوصی نیز، چنانچه نتواند نهاد عمومی را اداره کند، می‌تواند پس از ساخت، سهام آن را به صورت سهام وقف عرضه کند و مبلغ جمع‌آوری شده را به ملکیت آن نهاد موقوفه در آورد و آن نهاد برای اداره خود با توجه به مبلغ جمع‌آوری شده، سرمایه‌گذاری مناسب انجام دهد. مثلاً چند نفر خیر که مدرسه‌ای ساخته‌اند و نقدینگی کافی برای اداره آن ندارند، سهام آن را به صورت وقف به فروش می‌رسانند. با فروش آن مبلغ جمع‌آوری شده را به ملکیت مدرسه در آورده، متولیان مدرسه موقوفه با در اختیار داشتن نقدینگی مناسب، سرمایه‌گذاری کرده و از سود آن مدرسه را اداره می‌کنند. دولت نیز می‌تواند پس از توزیع سهام وقفی مبلغ جمع‌آوری شده را به مؤسسه وقف شده واگذار کند تا متولیان آن با استفاده از نقدینگی و سود آن به فعالیت ادامه دهند. مثلاً برای تعمیر جاده، پل و یا مدرسه و دانشگاه از آن استفاده شود و یا این که مدرسه و دانشگاه به متولیان واگذار شود تا آنان بتوانند آن را اداره کنند.

در ضمن این امر باعث می‌شود، نهادهایی که توان اداره موقوفات را دارند، به تدریج در اقتصاد شکل بگیرند و با در اختیار گرفتن سرمایه‌های موقوفات آنها را به صورت مناسب اداره کنند.

مؤسسات عمومی در اختیار دولت با توزیع سهام آن و وقف آن به وسیله مردم، ضمن آن که با فروش سهام آنها مشکل درآمدی دولت را حل می‌کند و کسری بودجه را کاهش می‌دهد، با توجه به وقف همچنان این امور در خدمت عموم خواهد بود و با اموالی که در اختیار دارند می‌توانند خود را اداره کنند. امروزه دانشگاه‌های دولتی با بودجه دولت اداره می‌شود، دولت اگر اعیان و تجهیزات دانشگاه‌ها را به صورت سهام وقف در آورد با فروش آن سرمایه زیادی نصیب دولت می‌شود و چون دانشگاه‌ها به صورت وقف عموم در می‌آید، تحت نظارت دولت به وسیله هیأت امنا اداره می‌شود. دولت حداکثر به همان میزان بودجه‌ای که سالیانه در اختیار آنها قرار می‌دهد به دانشگاه‌ها می‌دهد، ولی از ناحیه توزیع سهام آن مبلغ زیادی به دست آورده که با سرمایه‌گذاری آن در بخش اقتصاد می‌تواند بودجه دانشگاه‌ها را تأمین کند. اگر دولت بتواند همان مبلغ به دست آمده از توزیع سهام را به دانشگاه‌ها منتقل کند، دانشگاه‌ها می‌توانند با مدیریت مالی نسبت به آن سرمایه در اداره دانشگاه از بودجه دولتی بی‌نیاز شوند. مشابه آن در دیگر مؤسسات هزینه بردولتی که خدمات عمومی ارائه می‌کنند مثل بیمارستان‌ها، آسایشگاه‌ها، مدارس، بزرگراه‌ها، نیز می‌توان این روش را اجرا کرد تا از طرفی بار دولت را کاهش داد و از طرفی دیگر بخش عمومی گسترده شود و اقتصاد بخش سوم فعالیت‌های عمومی را به عهده بگیرد و در این زمینه سودوری افراطی شکل نگیرد. بنابراین مشکلی نسبت به مردم نیز پدید نمی‌آید.

نکته مهم، شیوه اداره و رسیدگی به این نهاد است. فعالیت هیأت امنای این قبیل نهادها با توجه به موقوفه بودن اصل آن باید در جهت خدمت‌رسانی به مردم باشد. این دانشگاه‌ها می‌توانند براساس رتبه دانشجویان هزینه آموزشی را برای آنها کاهش یا به حد صفر برسانند و برای برخی افراد خاص کمک هزینه نیز بدهند. در هر صورت پرداختن به کیفیت اداره خارج از مجال این مقاله است، ولی باید به آن توجه جدی کرد.

کارکرد این اوراق سهام مانند اوراق مشارکت است که دولت برای اجرای طرح‌های خود منتشر می‌کند. البته اوراق مشارکت اولاً، قابل خرید و فروش است، و ثانیاً، قبل از ایجاد پروژه قابل واگذاری است، ولی اوراق وقف قابل خرید و فروش نیست و باید پس از ایجاد نهاد به صورت وقف منتشر شود و گرنه از نوع وقف دین و کلی است که صحت آن با اشکال زیادی مواجه است.

اوراق سهام قدرت جذب نقدینگی بخش خصوصی و کاهش کسری بودجه دولتی و کاهش تصدی‌گری دولتی و گسترش بخش عمومی که توسط مردم اداره می‌شود را یکجا دارد.

حبس سهام توزیع شده

سهام را می‌توان حبس کرد، یعنی ملکیت آن در اختیار مالک باشد، ولی منافع آن به جهت خاص تعلق گیرد. مثلاً اگر ارزش مالی نهادی را به سهام تبدیل کرده و در بازار سهام بفروشند، هر کس این سهام خاص را بخرد از منافع و سود آن صرف نظر می‌کند و هیأت مدیره آن نهاد، سود را در جهت معین مصرف می‌کند. این نوع سهام بر خلاف سهام وقفی قابل خرید و فروش است، ولی افرادی که آن را می‌خرند قصد نفع اقتصادی ندارند، فقط از تغییر قیمت سهام ممکن است سود ببرند و تمام منافع سهام را به امر خیر اختصاص می‌دهند.

نتیجه‌گیری

از مجموعه آنچه گذشت به دست می‌آید که می‌توان از بخش سوم اقتصاد برای فعال کردن بازار سرمایه استفاده برد، گرچه برخی از راه‌های مطرح شده مثل وقف پول یا وقف مالیت شیء از پشتوانه قوی فتوایی برخوردار نیست، ولی دیگر راه‌ها قابل توجه و از پشتوانه فقهی برخوردار است.

نکته پایانی این که راه‌های گفته شده برای اوقاف جدید یا امور خیریه‌ای که در آینده به وسیله مردم تحقق می‌یابد مؤثر است، ولی اوقاف موجود با توجه به نیت واقفان و کیفیت وقف آنان قابل تغییر نیست. البته در مواردی که هزینه اداره کردن موقوفات مذکور زیاد باشد، می‌توان براساس رأی حاکم آنان را تبدیل کرد.

منابع

۱. آل کاشف الغطاء، محمد الحسین، تحرير المجله، طهران و قم، مكتبه النجاء و مكتبه الفيروز آبادی، ۱۳۶۲ق.
۲. الامام الخمينی، تحرير الوسیله، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی، ۱۳۷۹- الف.
۳. -----، كتاب البيع، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی، ۱۳۷۹- ب.
۴. الحر العاملی، شیخ محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۱ق.
۵. الحسینی السیستانی، السید علی، منهاج الصالحین، مكتبه آیه... العظمی السید السیستانی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۵ق.
۶. الخوئی، محمد تقی، مبانی العروة الوثقی (كتاب المساقاة)، منشورات مدرسه دارالعلم، ۱۴۰۹ق.
۷. الطباطبائی الحکیم، السید محسن، مستمسک العروة الوثقی، داراحیاء التراث العربی، بی تاریخ.
۸. الطباطبائی الیزدی، السید محمد کاظم، العروة الوثقی، ج ۶، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الاولى، ۱۴۲۳ق.
۹. العاملی (الشهید الثاني) زین الدین بن علی، مسالك الأفهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة، الطبعة الاولى، ۱۴۱۵ق.
۱۰. عبده تبریزی، حسین، نهاد مالی صندوق های وقفی در جهان و اصول اسلامی فعالیت آن در ایران، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲۵- بهار ۱۳۸۴.
۱۱. ----- صندوق های امید، روزنامه سرمایه، شماره ۱۱۴، دوشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۸۴.
۱۲. کاتوزیان، ناصر، حقوقی مدنی، عقود معین، ج ۳ (عطایا)، تهران، کتابخانه گنج دانش، چ سوم- ۱۳۷۷ش.
۱۳. ----- گامی به سوی عدالت، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چ اول، ۱۳۷۹ش.
۱۴. النجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۷ق.